

اخبار و گزارشات کارگری 27 و 28 شهریور ماه 1398

«با اتحاد پیروز میثویم، با افتراق شکست میخوریم»

بازداشتی های مراسم روز جهانی کارگر آزاد باید گردند

- 8 کارگرحق طلب کارخانه هپکو اراک کماکان زندانی هستند

تجمع هپکویی ها مقابل زندان مرکزی اراک برای آزادی همکارانشان

- گزاشک آور جواب سفره خالی کارگر

- همبستگی کارگران کارخانه واگن سازی پارس با هپکویی ها

- احضار جمعی از کارگران کارخانه آذراب بدنبال همبستگی با کارگران هپکو

- بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون موج گسترده سرکوب کارگران

- سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران: از حق مان کوتاه نخواهیم آمد!

- ادامه اعتراضات کارگران کارخانه کنتورسازی نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان باتجمع مقابل استانداری

- اعتصاب کارگران بخش نورد تیر آهن گروه ملی صنعتی فولاد ایران(اهواز)

- ادامه اعتراضات خانوادگی کارگران شهرداری کلاله نسبت به شرکت پیمانکاری با تجمع مقابل استانداری گلستان

- اعتراض کارگران پروژه جاده بیرجند - قاین نسبت به عدم پرداخت 15 ماه حقوق همزمان با حضور وزیر راه و شهرسازی

- مفقود الاثر شدن معلم کنشگر محمد حسن پوره

- احضار معلم کنشگر استان کرمانشاه

- عرفان رشیدی به یک سال حبس، محکوم شد!

- حکم 7سال حبس و 74 ضربه شلاق پدram پذیره عینا تایید شد !

- محسن حق شناس برای اجرای حکم یک سال حبس تعزیری به زندان اوین فراخوانده شد

- گزارش محبوبه فرحزادی از احضارش به شعبه 2 دادسرا اوین

- بیانیه «شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران» در اعتراض به «خط سرکوب فعالان صنفی»

- محمود صالحی: واقعا " شرم آور است

- اقدام به خودکشی یک کارگر 44 ساله در آستارا بدلیل اختلافش با کارفرما

- عدم پرداخت 9 ماه حقوق کارگران شرکت آب و فاضلاب روستایی بروجن
 - اعتراض کامیون داران نسبت به عملکرد معدن شن و ماسه سراوان با مسدود کردن جاده
 - جلوگیری 11 روزه اهالی خشمگین برخی شهرها و روستاهای مازندران و سمنان از دفن زباله در این منطقه با تجمع در جاده برای جلوگیری
 - ادامه اعتراضات کسبه دماوند نسبت به افزایش فروشگاههای زنجیره‌ای با تجمع مقابل فرمانداری
 - تجمع اعتراضی اهالی خیرآباد گچساران نسبت به عدم احداث یک مرکز سلامت در منطقه مقابل فرمانداری
 - جان باختن 45 کارگر در استان مازندران بر اثر حوادث کاری در سال جاری
 - مرگ یک کارگر جوان در روستای شهرمیان اقلید بر اثر سقوط سنگ در چاه
- *8 کارگر حق طلب کارخانه هپکو اراک کماکان زندانی هستند**

تجمع هپکویی ها مقابل زندان مرکزی اراک برای آزادی همکارانشان

بنا بر آخرین اخبار رسانه ای شده تا عصر روز پنج شنبه 28 شهریور از 29 کارگر حق طلب بازداشتی کارخانه هپکو 9 نفرشان کماکان در بازداشت بسر می برند و خبری هم از آزادیشان در میان نیست و معلوم نیست دوره بازداشتشان تاکی بسر خواهد رسید.

21 کارگر دیگر طی روزهای 27 و 28 شهریور با قید کفالت از زندان مرکزی اراک آزاد شدند.

روز پنج شنبه 28 شهریور، جمعی از کارگران کارخانه هپکو برای آزادی همکارانشان مقابل زندان مرکزی اراک تجمع کردند.



روز چهارشنبه 27 شهریور، کارگران هپکو به تجمعشان در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و برای آزادی همکارانشان ادامه دادند.

*گازاشک آور جواب سفره خالی کارگر

ما اصحاب رسانه، روزهای تلخی را میگذاریم، روزهایی سرگردان در میان انبوهی از آوار اخبار تلخ و جان گاه از درد مردمانی که برای بدبختی‌ترین نیازهای خود نیز درمانده‌اند. روزهایی که، مرگ، فقر و غم معیشت به سر خط خبرها بدل شده است.

در این میان، قصه پر غصه آنچه این روزها بر کارگران می‌گذرد، شاید از بقیه دردناک‌تر است.

هنوز زخم آنچه بر کارگران هفت تپه گذشت و تاوان سنگین صدای اعتراضشان التیام نیافته است که این بار ندای فغان کارگران شرکت هپکو اراک بر آسمان است. کارگرانی که در این وانفسای فقر و تنگی گذران معیشت، در جنگ هر روزه با زندگی، نه به امیدی فردای روشن، بلکه صرفاً بدنبال لقمه نانی هستند و شوربختانه به جای شنیده شدن، پاسخی بهتر از بازداشت و ضرب باطوم‌ها و گاز اشک میهمان سفره‌های خالی آنان نشد.

آنچه که بر سر کارگران شرکت هپکو آمده است، روایت تازه‌ای نیست و داستان پرتکرار چوب حراجی است که بنام خصوصی سازی دامن بزرگترین شرکت‌های تولیدی کشور و هزاران نیروی کاری آنها را گرفته است و سال‌هاست که یک تنه تیشه بر ریشه رشد و توسعه اقتصادی کشور زده است.

واگذاری‌هایی نمایشی که به بزرگترین سرمایه‌های اقتصادی کشور، به بهانه خصوصی سازی و در قالب رانت و امتیازهای خاص، چوب حراج زده و آنها را به ثمن بخش وگذار کرده‌اند و در حالی که ارزش شرکت هپکو نزدیک به 300 میلیارد تومان برآورد می‌شده است، فقط با 10 میلیون تومان، این بزرگترین کارخانه تولید ماشین‌آلات خاورمیانه به تاراج رفته است.

داستان اعتراض کارگران هپکو اما تازگی ندارد؛ کارگران کارخانه قدیمی هپکو اراک از نخستین معترضان سال‌های اخیر در رابطه با شرایط نابسامان کارخانه و وضعیت صنفی خود دست به اعتراض زدند و تعدادی از کارگران این شرکت نیز به زندان و شلاق محکوم شده بودند.

کارگران هپکو اراک، پس از واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی، بارها به پرداخت‌نشدن به موقع دستمزد خود اعتراض کرده و خواستار بازگرداندن مالکیت آن به دولت شده بودند، اردیبهشت و خرداد ماه سال گذشته نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه و بلا تکلیفی وضعیت معیشتشان دست به اعتصاب زده و در آخرین مورد، دوشنبه 25 شهریور، برای ساعاتی اقدام به مسدود کردن خط آهن شمال-جنوب کردند که در پی آن نیروهای یگان ویژه با آنها درگیر شده و به ضرب و شتم آنان پرداخت که بنا بر گزارش‌های رسیده، شماری زخمی و دستکم ۲۸ تن از کارگران بازداشت شده‌اند.

در نهایت آنچه که بر کارگران هپکو اراک رفته است، اولین مورد از این دست نشین‌ها نیست و آخرین آنها هم نخواهد بود و آنچه که در این باره پیش از هرچیز مایه دلنگرانی است، تکرار سناریویی است که چندی پیش در اعتراضات کارگران هفت تپه شاهد بودیم و کارگرانی که فقط و فقط برای حداقل‌های معیشتی و اولین حقوق انسانی خود به صدا آمده بودند، به بهانه‌های واهی دچار محکومیت‌های سنگین شوند.

رسانه ای شده بتاريخ 27 شهریور

گسترده تر و مستحکم تر باد همبستگی کارگران

***همبستگی کارگران کارخانه واگن‌سازی پارس با هپکویی ها**

روز چهارشنبه 27 شهریور، کارگران کارخانه واگن‌سازی پارس نیز، در اعتراض به ضرب و شتم کارگران هپکو و در حمایت از آنان حدود ساعت یک ظهر از محل کارخانه هپکو تا بلوار واگن پارس راهپیمایی کردند.

برگرفته از شبکه های اجتماعی

***احضار جمعی از کارگران کارخانه آذرآب بدنبال همبستگی با کارگران هپکو**

بدنبال همبستگی کارگران کارخانه آذرآب با هپکویی ها با حضور روز سه شنبه 26 شهریورشان در کارخانه هپکو تعدادی از کارگران آذرآب مورد تهدید و احضار قرار گرفته‌اند.

برگرفته از شبکه های اجتماعی

***بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون موج گسترده سرکوب کارگران**

گسترده‌گی مطالبات انباشته شده کارگران و تمامی مزدبگیران ایران به حدی رسیده است که هر روز و هر ساعت شاهد حرکت‌های اعتراضی در نقاط مختلف کشور هستیم که از طریق اعتصاب و تجمع پیگیر خواسته های خود می باشند اما مسئولان کوچکترین عملی برای پاسخگویی به خواست و مطالبات کارگران از خود نشان نمی دهند و در مقابل، از طریق دستگیری و صدور احکام حبس و شلاق برای کارگران اقدام به سرکوب هر نوع مطالبه گری و حق خواهی آنان می نمایند.

در این راستا یورش نیروهای انتظامی و امنیتی به تجمع های کارگری در جهت مرعوب نمودن کل کارگران ایران به امری روتین از سوی نهادهای حکومتی بدل شده است.

یورش وحشیانه نیروی پلیس به تجمع کارگران هپکو و ضرب و شتم و مصدوم نمودن تعداد زیادی از آنان و همزمان دستگیری ۲۸ نفر از این کارگران، از یکسو به قصد پایان دادن به اعتراض کارگران هپکو است و از سوی دیگر به هدف ایجاد رعب و وحشت در میان سایر کارگران در دیگر مراکز کارگری صورت میگیرد.

در همین ماه اخیر بود که کارگران آذرآب همزمان و همراه کارگران هپکو دست به اعتراض متحدانه زدند و بیشتر از چهار سال است که در پس خصوصی سازی این شرکتها، مشکلات کارگران در هپکو، آذرآب، آلومینیوم سازی و چندین مرکز دیگر کارگری در اراک همچنان بی پاسخ مانده و تداوم این مسائل هر بار کارگران را به اعتراض و اعتصاب می کشاند.

اما این نوع سرکوبگری ها و برخوردهای ددمنشانه عوامل سرمایه داران با کارگران نمیتواند خط بطلانی بر قدرتمندی کارگران هپکو و سایر مراکز کارگری بر خیابانهای اراک بکشد. کارگران اراک قطعاً با اتحاد با هپکو و با تسخیر دوباره خیابانهای اراک صف واحد خود در مقابل دم و دستگاه سرکوب را قدرتمندتر کرده و حقوق معوقه و سایر مطالباتشان را پیگیری خواهند کرد.

بخش دیگری از سیاست سرکوب گسترده کارگران از طریق بازداشت و صدور احکام طویل المدت زندان و شلاق طی مدت یکسال گذشته شدت گرفته است. حمله به تجمع کارگران در مقابل مجلس و دستگیری تعداد کثیری از آنان و صدور احکام سنگین علیه کارگران و حامیان طبقه کارگر نمونه ی چنین برخوردی است که از جمله میتوان به صدور احکام زندان علیه نسرین جوادی، پروین محمدی، حسن سعیدی، رسول طالب مقدم، عاطفه رنگریز، مرضیه امیری و تعداد دیگری از کارگران اشاره

کرد و برای چند نفر دیگر از این بازداشت شدگان هنوز جلسات دادگاه برگزار نشده و در معرض صدور احکام زندان قرار دارند.

صدور احکام زندان علیه کارگران هفت تپه و اعضای هیأت تحریریه نشریه گام نیز در همین راستا و به جهت سرکوب عمومی طبقه کارگر و ممانعت از مطالبه گری و اعتراض کارگران به تضييع حقوق شان صورت گرفت. احکام ۶ سال حبس تا ۱۸ سال حبس برای هفت نفر از دستگیرشدگان هفت تپه در پس سرکوب و دستگیری های گسترده سال گذشته کارگران هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد اهواز اتفاق افتاد.

موج سرکوب کارگران تنها به تجمعات و اعتصابات در مراکز کارگری منتهی نشده و یورش به تشکل های مستقل کارگری در رأس این امر قرار داشته است. دستگیری هشت تن از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در طول ماه های گذشته که برای همگی آنان از جمله پروین محمدی، ناهید خداجو، شاپور احسانی راد، نسرين جوادى، فرهاد شیخی، هادی سلیمانی و مهدی فخری پرونده های قضائی مفتوح گشته است و جعفر عظیم زاده رئیس هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در حال گذراندن دوره محکومیت حبس شش ساله اش میباشد.

دو تن از اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر به اسامی علیرضا ثقفی و هاله صفرزاده نیز به احکام یکسال زندان محکوم گردیده اند.

هفت نفر از اعضای سندیکای شرکت واحد نیز در تجمع روز کارگر دستگیر شده و پرونده های قضائی برای ایشان در جریان است.

دامنه سرکوب فعالان صنفی از فعالین جنبش کارگری فراتر رفته و هم اکنون اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی و تعداد دیگری از فعالین معلمان در زندان هستند و تعداد بیشتری نیز در معرض صدور احکام زندان قرار دارند.

تمامی این موارد نشان دهنده این واقعیت است که دم و دستگاه حاکم تمام قد در مقابل کارگران و سایر مزدبگیران جامعه ایستاده و توان و تمایلی برای پاسخگویی و تحقق خواست و مطالبات کارگران و معلمان و بازنشستگان و سایر بخش های جنبش مطالباتی مردم ایران ندارد.

اما واقعیت جامعه به وضوح نمایانگر این است که جامعه برخلاف تصور حاکمان مرعوب این نوع سرکوبگری ها نشده و قطعاً نمیتواند نظاره گر به فنا رفتن بیش از پیش زندگی خانواده های کارگران و بازنشستگان و معلمان و سایر اقشار خود باشد.

دیدیم که پس از دستگیری تمام نمایندگان کارگران هفت تپه در طول اعتصاب سال گذشته کارگران تا چندین روز به اعتراض شان در خیابانهای شوش ادامه دادند و بازداشت بیش از چهل نفر از کارگران فولاد اهواز مانع از مطالبه گری این کارگران نشده است.

در پس این اتفاقات بود که روز جهانی کارگر امسال در مقابل مجلس قدرتمند و پرشور برگزار گردید و با وجود سرکوب گسترده که میخواست و میخواهد کل کارگران ایران را مرعوب کند اما باز اعتراض کارگران کنتور سازی قزوین و هپکوی اراک و ده ها اعتراض کارگری دیگر در جریان است.

در دوره اخیر و با توجه به گرانی و تورم گسترده و سقوط کامل سطح زندگی کارگران و اکثریت مردم و گستردگی میزان بیکاری از طریق چپاول ثروتهای جامعه و حاصل دسترنج کارگران توسط مافیای

غارتگر و رانتخوار و اختلاسگر از یکسو و از سوی دیگر سرکوب کارگران و سایر اقشار جامعه توسط نهادهای دولتی و قضایی و امنیتی بعنوان مدافعان مافیای قدرت و ثروت به معنای عدم وجود هیچ روزنه ای برای بهبود اوضاع کنونی بوده و قطعاً هیچ راهی به جز رویارویی توده ای و عظیم مردم ایران با وضعیت کنونی باقی نگذاشته است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن اعلام انزجار از حمله وحشیانه به کارگران هپکو و صدور احکام ظالمانه علیه کارگران هفت تپه و اعضای نشریه گام و نیز بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و فعالین تشکل های مستقل کارگری، بر این باور است که دوره آتی دوره تقابل جدی جنبش مطالباتی عظیم مردم ایران و در رأس آن جنبش کارگری در مقابل مناسبات استثمارگراییانه حاکم است و از اینروست که نهادهای دولتی به قصد حذف رهبران و فعالین مؤثر جنبش های اعتراضی به دستگیری و صدور احکام زندان علیه آنان مبادرت میورزند. غافل از اینکه با این وجود نمی توانند مانع اعتراض کارگران برای پیگیری خواست و مطالبات صنفی و معیشتی شان شوند و در این مسیر صدها و هزاران رهبر اعتراضی از دل همین اعتصابات بیرون خواهند آمد.

۲۸ شهریور ۹۸

***سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران: از حق مان کوتاه نخواهیم آمد!**

کارگران به جان آمده هپکو اراک که در اعتراض به حقوق معوقه خود و تعیین تکلیف وضعیت سهامداری شرکت روز ۲۵ شهریور برای شنیده شدن صدای اعتراض شان، خط راه آهن را مسدود کرده بودند با برخورد خشن پلیس روبرو گردیدند. عدم پاسخگویی مسولان و بی اعتنایی به مشکلات این کارخانه خشم ۹۰۰ کارگر این کارخانه را برانگیخته است. حمله گارد ویژه به کارگران ۱۵ زخمی و ۲۸ بازداشتی به همراه داشت و حتا تلاش های خبرنگار ایلنا برای تماس با مقامات استان مرکزی در ارتباط با بازداشت کارگران معترض هپکو تاکنون بی نتیجه مانده است و همه یا وقت ندارند و یا اینکه از این حادثه خبر ندارند.

ما در اطلاعیه ۱۷ شهریور گفتیم که از مبارزه دست نخواهیم کشید! و اعلام کردیم که: «به نظر ما امنیت ملی رفاه کارگران است و توزیع درست ثروت، نه آقازاده های تن پرور. امنیت ملی ما هستیم که سینه امان سپر هر متجاوزی به خاک و عدالت انسانی است. امنیت ملی نان سرسفره هاست. امنیت ملی دربند کردن اختلاسگران است. امنیت ملی نبود کودکان کار و زن تن فروش است.

آقایان مسولین، مبارزه بانندی با فساد و مافیای کارساز نیست، باید زبان افشاگر کارگران را رساتر کرد. ریشه فساد در پنهان کاری و تاریکخانه هایی است که سندیکاهای کارگری برای شفافیت این تاریکخانه ها نورافکن اتحاد و اعتصاب را در دست گرفته اند. نپرداختن حقوق چند ماهه کارگران جز با همدستی مسولین قانون گریز امکان پذیر نمی باشد».

آیا اینگونه برخوردها حامل این پیام نیست که آموزگاران بترسند و از اعتراض به بی عدالتی ها در زمان باز شدن مدارس دست بکشند؟ بی تردید این برخوردها حامل این پیام به کارگران است که گرسنگی بکشید اما اعتراض نکنید. در روزهایی که جغد جنگ در آسمان کشورمان در حال پرواز است این برخوردها به نفع چه کسانی است؟؟ چرا می خواهند طبقه کارگر را به سوی دلسردی و بی تفاوتی نسبت به مسایل کشور ببرند؟؟؟

آنچه مسلم است بی عدالتی منجر به اعتراض می شود و اگر مسولین می خواهند صدای این اعتراض ها را نشنوند باید بی عدالتی را رفع کنند.

ما ضمن حمایت از خواسته های کارگران هپکو خواهان آزادی همه کارگران بازداشتی و زندانی طبقه کارگر و هوادارانش هستیم.

۲۶ شهریور ۱۳۹۸

***ادامه اعتراضات کارگران کارخانه کنتورسازی نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان باتجمع مقابل استانداری**

روز چهارشنبه 27 شهریور، کارگران کارخانه کنتورسازی در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان برا باری دیگر دست به تجمع مقابل استانداری زدند.

***اعتصاب کارگران بخش نورد تیر آهن گروه ملی صنعتی فولاد ایران(اهواز)**

ممنوع الوردی تعدادی از کارگران معترض به شرکت و تهدیدیشان به اخراج از کار روز یکشنبه 24 شهریور، کارگران بخش نورد تیر آهن گروه ملی صنعتی فولاد ایران(اهواز) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه اقدام به توقف تولید در خط 630 این بخش نموده اند . بدنبال این اعتصاب صبح روز دوشنبه 25 شهریور، مدیر حراست گروه گروه ملی صنعتی فولاد ایران تعدادی از کارگران این بخش را ممنوع الوردی به شرکت و کارت تردد شان را مسدود کرد. همچنین مدیریت حراست فولاد اهواز کارگران معترض این بخش را تهدید به اخراج از کار کرد. برگرفته از شبکه های اجتماعی

***ادامه اعتراضات خانوادگی کارگران شهرداری کلاله نسبت به شرکت پیمانکاری با تجمع مقابل استانداری گلستان**

کارگران شهرداری کلاله و خانواده هایشان در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به پایمال شدن حقوقشان توسط شرکت پیمانکاری دست به تجمع مقابل استانداری زدند.

براساس گزارش یک منبع خبری محلی، مشکلات کارگران شهرداری کلاله با پیمانکاران و به تبع آن دست و پنجه نرم کردن اعضای خانواده آنها با مشکلات معیشتی بخاطر عدم دریافت به موقع و کامل حقوق براساس طرح طبقه بندی مشاغل و قانون کار و همچنین پرداخت نشدن برخی معوقات کارگران از سال 93، باعث نارضایتی کارگران و به تبع آن شکایت از پیمانکار شد.

با توجه به اینکه قرارداد پیمانکاران مدنظر پایان نیافته بود، کارگران برای جلوگیری از اخراج خود از شرکت، مجبور به پس گرفتن شکایت خود شدند.

با پایان یافتن قرارداد شهرداری با شرکت پردیس نیرو، این شرکت از ورود به مناقصه منع شد؛ ولی هراس ورود پیمانکاران با شرکتی دیگر در کارگران و خانواده های آنها وجود داشت.

با برگزاری مناقصه، و با بررسی هاو ارائه سندی مبنی بر اینکه یکی از بستگان پیمانکار قبلی رئیس هیات مدیره شرکت همراهان پردیس گلستان و نماینده شرکت سابق در کارگران عضو هیات مدیره می باشد، پشت پرده شرکت جدید نیز آشکار شد.

پس از آن شاهد اعتراض کارگران باخانواده مقابل فرمانداری (10 و 15 مردادماه 98) بودیم. این چالش ها باعث این شد که جوادکریمی مدیرعامل این شرکت برای خروج از حواشی از سمت خود استعفا بدهد.

***اعتراض کارگران پروژه جاده بیرجند - قاین نسبت به عدم پرداخت 15 ماه حقوق همزمان با حضور وزیر راه و شهرسازی**

روز دوشنبه 25 شهریور همزمان با حضور وزیر راه و شهرسازی در پروژه جاده بیرجند - قاین در استان خراسان جنوبی کارگران یکی از شرکت های پیمانکاری اعتراضشان را نسبت به عدم پرداخت 15 ماه حقوق بنمایش گذاشتند.



برپایه گزارش رسانه ای شده، یکی از کارگران به وزیر راه و شهرسازی گفت: پنج سال است در این شرکت و در جاده بیرجند - قاین کار می کنم اما نه تنها از 10 ماه پیش حقوق نگرفته ایم بلکه ما را نیز اخراج کردند.

وی افزود: کارت هدیه 50 تومانی که اعضای شرکت به ما داده اند دردی از ما کم نمی کند، زندگی ما در حال نابودی است در حالیکه خبری از پرداخت حقوق نیست.

طبق معمول وزیر راه و شهرسازی محمد اسلامی بدون اشاره به زمان پرداخت حقوق کارگران گفت: قول می دهیم این بدهی را پرداخت کنیم.

قابل یادآوری است که عملیات دوبانده سازی این پروژه از سال 89 آغاز شد و تاکنون 49 کیلومتر آن تکمیل و سه پیمانکار با مجموع 120 میلیارد تومان قرارداد در 51 کیلومتر باقی مانده با پیشرفت 40 درصد مشغول فعالیت هستند.

***مفقود الاثر شدن معلم کنشگر محمد حسن پوره**

محمدحسن پوره معلم و کنشگراز چهارم تیرماه مفقود شده است. خانواده و دوستان وی هیچ اطلاعی از وضعیت ایشان نداشته و نگران سلامت وی هستند.

***احضار معلمان کنشگراستان کرمانشاه**

بنابر اطلاع، اطلاعات سپاه کرمانشاه طی روزهای گذشته چهار نفر از معلمان و فعالان صنفی را احضار و مورد بازجویی قرار داده است و دو نفر دیگر را برای روزهای بعدی احضار نموده است. معلمان احضار شده از اعضای انجمن صنفی معلمان شاغل و بازنشسته استان کرمانشاه هستند.

معلمان استان کرمانشاه طی ماههای گذشته یکی از پیشروترین معلمان در مطالبه‌گری صنفی و آموزشی بوده اند. با نزدیک شدن به آغاز سال تحصیلی اطلاعات، اطلاعات سپاه و حراست ها در اقصی نقاط ایران می کوشند با احضار و تهدید از اعتراضات احتمالی در مهرماه جلوگیری نمایند.

***عرفان رشیدی به یک سال حبس، محکوم شد!**

عرفان رشیدی، فعال کارگری و فعال محیطزیست ساکن پاوه، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر بابت «تبلیغ علیه نظام» به یک سال زندان و دو سال ممنوعیت از فعالیت‌های مدنی و خروج از کشور محکوم شده است.

عرفان رشیدی، تیرماه سال گذشته توسط مأموران اداره اطلاعات کرمانشاه در منزل خود بازداشت شده بود.

بر اساس گزارش رسیده، شهریورماه سال جاری حکم یک سال زندان عرفان رشیدی، از سوی قاضی صادق تاری وردی، رییس شعبه اول دادگاه انقلاب پاوه به وکیل مدافع ایشان قهرمان کریمی ابلاغ شده است.

شب چهارشنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۹۷، مأموران اداره اطلاعات با ورود به منزل آقای رشیدی و پس از بازرسی کامل منزل و ضبط برخی از لوازم شخصی از قبیل تلفن همراه و لپ‌تاپ، وی را بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات کرمانشاه جهت بازجویی منتقل کردند.

عرفان رشیدی، نماینده انجمن محیط زیستی «چپا» در پاوه و عضو انجمن زیست‌محیطی ژئوای پاوه است.

او به همراه دیگر فعالین زیست‌محیطی نقش مهمی در مهار آتش‌سوزی‌های جنگل‌های منطقه اورامان داشته است. همچنین به دنبال وقوع زلزله کرمانشاه این فعال مدنی برای چندین ماه در کمپ‌های مردمی برای کمک به مردم زلزله‌زده سرپل ذهاب و حومه شرکت فعال داشته است. او همچنین سال ۹۶ با دوچرخه از زریوار تا فریدون‌کنار رکاب زده بود تا پیام «نه به کشتار پرنندگان مهاجر» را به مردم برساند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، باز داشت و حکم صادر شده برای عرفان رشیدی را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری او و دیگر فعالین کارگری در بند، می باشد.

***حکم 7 سال حبس و 74 ضربه شلاق پدram پذیره عینا تایید شد !**

طبق رای دادگاه تجدیدنظر، حکم بدوی پدram پذیره، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه دانشگاه تهران که در هنگام بازداشت نایب دبیر شورای صنفی مرکزی و دبیر شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه بود، عیناً تأیید شد!

در جریان دادگاه بدوی نیز، جهت آزادی موقت، قرار وثیقه ی ایشان از ۱ میلیارد ریال به ده میلیارد ریال تشدید یافته بود و این رقم در زمان خود بی سابقه بود!

گفتنی است به موجب ماده 134، پنج سال از این حکم قابل اجرا می باشد.

منبع: کانال تلگرام شوراهای صنفی دانشجویان کشور

***محسن حق شناس برای اجرای حکم یک سال حبس تعزیری به زندان اوین فراخوانده شد**

محسن حق شناس که هم اکنون ۲۴ ساله است و دانشجوی طراحی صحنه، سینما و تئاتر دانشگاه تهران می باشد، در نخستین روز از اعتراضات دی ۹۶ توسط ماموران لباس شخصی وزارت اطلاعات بازداشت و پس از گذراندن ۱۴ روز در سلول های انفرادی بند موسوم به ۲۰۹ زندان اوین، موقتاً آزاد شد.

منبع: کانال تلگرام شوراهای صنفی دانشجویان کشور

***گزارش محبوبه فرحزادی از احضارش به شعبه 2 دادسرا اوین**

روز 27 شهریور به شعبه 2 دادسرا اوین، طبق احضاری قبلی رفتم و در حضور نصیرپور، بازپرس، از تحصیل رایگان دفاع کردم و عدم اجرای اصل 30 قانون اساسی را به چالش کشیدم.

از حقوق شهروندی ام و این که وقتی از اوین به من زنگ می زنند و تهدید و جو روانی ایجاد می کنند امنیت مرا به عنوان یک شهروند به خطر می اندازند گفتم و به آقای نصیر پور پیشنهاد مطالعه منشور حقوق شهروندی را دادم

به عنوان یک زن ؛ یک مادر ؛ و یک معلم ، از نه به ازدواج کودکان دفاع کردم و گفتم جای کودک مدرسه و کلاس درس است ؛ نه سفره عقد.

***بیانیه «شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران» در اعتراض به «خط سرکوب فعالان صنفی»**

در حالی در آستانه آغاز سال تحصیلی قرار داریم که در طی چند ماه گذشته سرکوب معلمان از طرف وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و قوه قضاییه و نهادهای زیرمجموعه وزارتخانه، حراست و هیئت رسیدگی به تخلفات اداری هرگز متوقف نشده است گویی ارکان حاکمیت در بی توجهی به مطالبات فرهنگیان بازنشسته و شاغل و سرکوب فعالان صنفی و مدنی متفق القول هستند و بین جناح های سیاسی از اصلاح طلب و اصولگرا تا اعتدالگرا تفاوتی وجود ندارد.

صدور حکم زندان و شلاق برای فعالان صنفی که یادآور احکام قرون وسطایی است نشان از اوج این سرکوب هاست. قوه قضاییه به جای اینکه در برخورد با فاسدان و دزدان جدی باشد اراده کرده است هر صدای منتقد و مستقل عدالت خواه را در نطفه خفه کند، صدور حکم زندان برای اصغر امیرزادگان، فعال صنفی از استان فارس، تأیید حکم ناعادلانه 15 ماه حبس تعزیری برای یاسر امینی در کردستان و احضار فاطمه بهمنی، فعال صنفی در استان مرکزی، به خاطر جمع آوری کمک برای سیل زدگان به دادگاه، احضار زنان فعال صنفی در شهرهای مختلف از جمله در کرج به اداره اطلاعات، احضار

فعالان صنفی ملارد به اطلاعات سپاه ، صدور کیفرخواست علیه اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی، ریاست دوره‌ای شورای هماهنگی، تشکیل پرونده برای بازرسان شورای هماهنگی و گشودن پرونده قضایی علیه فعالان صنفی در استان های بوشهر، مازندران، آذربایجان شرقی ، خوزستان ، اصفهان و ... نشان از اوج سرکوب فعالان و پرونده‌سازی به صورت سیستماتیک علیه آنان است .

تا جایی که معلمان دربند نیز از این سرکوب بی نصیب نمانده اند و به صورت مستمر مورد تبعیض واقع می‌شوند حق برخورداری از ملاقات حضوری ماهانه در زندان اوین از آنان سلب شده است. در حالی که زندانیان امنیتی با جرائم دزدی و اختلاس و مدیران فاسد از حق مرخصی طولانی و ملاقات حضوری ماهانه برخوردارند حق آزادی مشروط از محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی سلب شده است محمد حبیبی از مرخصی و دریافت خدمات درمانی محروم است و به امید شاه‌محمدی مرخصی داده نمی‌شود.

سایر معلمان زندانی نیز وضعیت بهتری ندارند روح‌الله مردانی و عبدالرضا قنبری و معلمان دیگری که به خاطر فعالیت مدنی در زندان هستند از حقوق اولیه خود محروم هستند.

جالب اینکه هر جا اندکی عدالت، وجدان و انصاف وجود داشته و قاضی به دفاعیات متهمان فقط گوش داده و از ضابطان قضایی دستور نگرفته است منجر به تبرئه فعالان صنفی و صدور حکم منطقی منع تعقیب شده است.

صدور حکم تبرئه نشان می‌دهد که مطالبات صنفی، قانونی و برحق است و این نیروهای امنیتی و قضایی هستند که می‌کوشند بر این فعالیت‌های قانونی برچسب امنیتی بزنند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران خواهان آزادی بی قید و شرط تمام معلمان زندانی است و نسبت به عواقب پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی هشدار جدی می‌دهد. نهادهای امنیتی باید بدانند که تهدید و زندان و ارباب و پرونده سازی برای کنشگران صنفی راه خاموش کردن مطالبه گری نیست، چراکه پرونده‌های محدود معلمان صنفی و زندان افکندن چندتن از بهترین معلمان تلاشگر در سالهای ۹۳ و ۹۴، اینک به بالغ‌بر پنجاه پرونده مختومه و باز رسیده است.

کنشگران صنفی با این پرونده‌سازی‌ها و اتهامات دروغین، از مطالبه گری، حق طلبی و عدالت خواهی دست نمیکشند ولو نهادهای امنیتی و قضایی، حراستها و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، با اهرم فشار و پرونده سازی برایشان مشکل بتراشند! کنشگران صنفی و فرهنگیان نه تنها یاران دربند خود را رها نکرده بلکه از آنان درس شجاعت و فداکاری در راستای بهبود وضعیت معیشتی معلمان و بهسازی ساختار نظام آموزشی می‌گیرند.

ما با صدای رسا می‌گوییم اگر مطالبه‌ی حق در راستای کرامت انسانی و بهبود معیشت همگان جرم است و اگر مطالبه عدالت آموزشی و دفاع از حقوق کودکان محروم، جرم است، شما می‌توانید برای ما پرونده‌سازی و علیه ما کیفرخواست صادر کنید ما را اخراج نمایید به بند بکشید و تبعیدمان کنید؛ اما بدانید ما لحظه‌ای از مطالبه گری و عدالت خواهی دست نخواهیم کشید.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران 25 شهریور 1398

***محمود صالحی: واقعا" شرم آور است**

کارگران، تشکل های کارگری:

روز پنجشنبه مورخ 98/6/7 ساعت 10 صبح چندین اکیپ از نیروهای لباس شخصی شامل ده ها نفر افراد مسلح منزل مسکونی کامران ساختمانگر را به محاصره خود در آوردند. بعد از ایجاد جو رعب و وحشت در محله به دستور فرمانده عملیات در یک چشم به هم زدن به ساختمان مسکونی کامران ساختمانگر که شامل سه طبقه 75 متری است ، حمله ور شدند. با توجه به اینکه کوچه های منتهی به منزل کامران ساختمانگر همگی 4 الی 5 متری هستند. تجمع نیروهای لباس شخصی به شکلی ایجاد جو رعب و وحشت و مرور مردم محله را مختل کرده بود. نیروهای لباس شخصی به شکلی ایجاد جو رعب و وحشت کرده بودند که تمام مردم محله از وحشت این نیروها به منازل خود پناه بردند و هر رهگذری در مورد این همه نیروی لباس شخصی در آن کوچه های غیر استاندارد با هم صحبت می کرد و یا سؤال می کرد، مورد تهدید نیروها قرار می گرفتند. مردم نمی دانستند که در محله شان چه اتفاقی افتاده و مرتب از همدیگر سؤال می کردند که آن همه نیروی لباس شخصی برای چیست و چه اتفاقی افتاده است؟

یکی از همسایه ها با طنز گفت : احتمال دارد صدام حسین در منزل ابرا کامران مخفی شده باشد که این همه نیرو خانه او را محاصره کرده اند؟.

یکی دیگر از همسایه ها : احتمال دارد ابرا کامران آقای محمد رضا خاوری مدیر عامل بانک ملی ایران را به فرودگاه منتقل کرده باشد تا با هواپیما به کانادا فرار کند؟ آخر ابرا کامران مسافر کشی می کند.

همسایه دیگر : محمد رضا خاوری کیست؟ محمد رضا خاوری همان کسی است که مبلغ 16 میلیارد از پول مردم ایران را دزدید و با هواپیما از پایتخت ایران در مقابل چشم نیروهای امنیتی عازم کانادا شد.

همسایه دیگر: این همه نیرو چرا آن آقای خاوری را دستگیر نکردند ؟ ولی برای دستگیری یک کارگر که در یک ساختمان 75 متری زندگی می کند ؛ تمام منطقه را به وحشت انداخته اند؟

زن همسایه : به خدا قسم چند روز است که ماشین منیره خانم خراب شده و هیچ جای نرفته است و شوهر ایشان در منزل نیست. من می دانم که ابرا کامران در منزل حضور ندارد و این همه نیروی برای دستگیری ایشان آمده اند!!!.

یک مرد که از دور نظارگر بود به سخن آمد و گفت: ابرا کامران بیچاره با توجه به اینکه بیکار است حتی نمی تواند هزینه آب ، برق، گاز و تلفن منزل خود را پرداخت کند و هر سال چند بار شرکت های مربوطه آنها را قطع می کنند. واقعا " شرم آور است که این همه نیرو برای دستگیری یک راننده آمده اند.

در این اسنا ماموران به منزل مادر کامران نیز حمله می کنند و ضمن جو رعب و وحشت مادر 78 ساله کامران که خود مستقل و در یک واحد چند متری زندگی می کنند؛ وحشت زده فریاد می زد" یا خدا چه شده دولت امریکا به سنندج حمله کرده است؟ جنگ شروع شده؟ کامران کجاست؟ منیره کجاست؟ سیوان کجاست و.. " ؟ مادر پیر همچون افرادی که به امام زاده برای راز و نیاز پناه برده باشد. شلوار یکی از ماموران را می گیرد و سراغ بچه هایش را از آن مردک وحشی می گیرد. اما کسی از ماموران به او جواب نمی دهند و مرتب اساسه منزل آن پیر زن را زیر و رو می کنند و در میان نخود و لوبیا دنبال یک مرد 70 کیلویی هستند.

یک عده دیگر از ماموران به خانه خود کامران حمله ور می شوند. یکی از ماموران درب توالی خانه کامران را باز می کند و می خواهد آن را تفتیش کند. اما به حکم اینکه توالی کوچک بود نتوانست

داخل شود. ماموران سراسیمه تمام نقاط منزل کامران را همچون سربازان اسرائیلی تفتیش کردند. اما چیزی که به درد آنان بخورد پیدا نکردند.

وقتی ماموران مشغول تفتیش منزل مادر پیر و منزل کامران بودند. یک اکیپ دیگر منزل همسایه ها و واحد دیگر در همسایگی منزل کامران را تفتیش می کردند. اما خبری از کامران که صدام حسین را به خانه ش راه داده و آقای علی رضا خاوری را به فرودگاه رسانده است، نیست.

ماموران وقتی از دستگیری کامران ناامید می شوند برای اینکه سرخوردگی خود را جبران کنند ماشین سواری پسر کامران و گوشی های خانوادگی آنان را با خود می برند. ماموران برای اینکه مورد اعتراض مردم محله قرار نگیرند و توجهی برای توقیف ماشین پسر کامران داشته باشند. در میان مردم و خانواده کامران اعلام می کنند که با این ماشین مواد مخدر جابجا شده است و صاحب این ماشین مواد فروش است و...

بعد از اینکه ماموران از دستگیری کامران در منزل نا امید شده بودند رد او را پیدا می کنند شبانه روز به دنبال این فراری (به قول آنان) بودند و سر انجام در شهر سقز و در محل یک خانه باغ که در 15 کیلومتر شهر سقز قرار دارد او را دستگیر می کنند.

ماجرا از این قرار است.

وقتی ماموران به منزل کامران حمله می کنند ایشان در منزل نبوده و از سوی خانواده به او اطلاع می دهند که دنبال او هستند. کامران در سقز و مهمان ما بود. بعد از ظهر روز چهارشنبه مورخ 98/6/13 سه ماشین نیروی لباس شخصی در محدوده خانه باغ سید علی حسینی دیده شده بودند که مرتب به محل خانه باغ با دربین نگاه می کردند. سید علی حسینی چند بار این نیروها را مشاهده میکند اما با توجه به اینکه موردی برای مشکوک بودن وجود نداشت بی خیال شده و آن را پیگیری نمی کند. نیروهای امنیتی وقتی هوا تاریک می شود همراه تعدادی از نیروهای اطلاعاتی سقز در ساعت 9 شب با رمز یا به دو نفر از کارگران که مشغول پخت غذا بودند حمله می کنند. نیروهای حمله کننده با تهدید و فریاد های وحشت آوری به آنان دستور می دهند که دستهایشان را پشت گردن بگذارند و رو به زمین بخوابند. بعد از چند دقیقه هر دو کارگر را دستگیر می کنند. مسئول عملیات با خنده و سرمست از پیروزی به فرمانده خود پیام تبریک ارسال می کنند که سوژه مورد نظر دستگیر شد.

وقتی ماموران خانه باغ را تفتیش می کنند یکی از آنان حتما " نیروی سقز بوده به سید علی حسینی اعلام می کنند که ما هیچ چیزی را برنداشتیم و تنها وسیله ای که از خانه باغ حمل کردند، ماشین سید علی حسینی بود که آن را به اداره اطلاعات سقز منتقل می کنند.

ماموران بعد از دستگیر کردن کامران ساختمانگر و سید علی حسینی، همان شب با چند دستگاه ماشین آنان را کف بسته به بازداشتگاه مخوف سنندج منتقل می کنند. سید علی حسینی بعد از بازجویی ساعت یک ظهر روز پنجشنبه مورخ 98/6/14 از بازداشتگاه سنندج آزاد و به او ابلاغ می کنند که پرونده ایشان در سقز است و باید خود را به نیروهای اطلاعات آن شهر معرفی کند. اداره اطلاعات سقز روز جمعه مورخ 98/6/15 با سید علی حسینی تماس گرفته و او را به آن اداره احضار می کنند. بعد از بازجویی و تشکیل پرونده به اتهام پناه دادن به یک مجرم فراری. ماشین او را آزاد و به او ابلاغ می کنند که پرونده را به دادگاه خواهیم فرستاد.

کامران ساختمانگر کیست که این همه نیرو یک هفته شبانه روز در شهرهای کردستان به دنبال او بودند تا اینکه در بیابانهای اطراف شهر سقز او را دستگیر کردند؟

کامران ساختمانگر متولد سال 1346 است و کارگر ساختمانی می باشد. این کارگر ساختمانی شاید در سال یک ماه کار پیدا نکند. به همین دلیل برای بقاء خانواده با ماشین پسرش مسافرکشی می کند. هر زمان ماشینش سالم باشد در محدوده ترمینال شهرهای مختلف به دنبال مسافر است. آخر به حکم اینکه ماشینش پلاک قرمز نیست باید مخفیانه و بدور از چشم صاحبان ماشین های پلاک قرمز مسافر را سوار کند. یعنی کامران باید در محدوده ترمینال ها منتظر بماند تا اینکه همه ماشین های پلاک قرمز تکمیل شده و اگر مسافری جا بماند و ماشین پلاک قرمز وجود نداشته باشد. آن وقت ده ها نفر همچون کامران در محدوده ترمینالها منتظر هستند که مسافر جا مانده به مقصد درخواستی ببرند. در میان این ماشین ها که دزدکی کار میکند. باید روابط عمومی خوبی داشته باشید تا توجه مسافر را جلب و مسافر سوار ماشین فردی شود که مجوز کارکردن ندارد. این هویت کامران ساختمانگر است که با هزاران مشکل اقتصادی توانسته حداقل شکم بچه هایش را سیر کند.

اما شما ماموران که با این همه کب کبه و دب دبه افتخار می کنید که کامران ساختمانگر را دستگیر کردید و ایشان را به زندان منتقل نمودید، چرا وقتی که تروریستها از کردستان اسلحه حمل کردند (به قول خود شما) و به مراجعه کنندگان مجلس شورای اسلامی حمله کردند و ده ها نفر را گشتند آنها را دستگیر نکردید؟ حتما" آن زمان در خواب بودید و یا جرت رو برو شدن با آنان را نداشتید؟ اگر کامران ساختمانگر و سید علی حسینی مسلح بودند شما جرت آن را داشتید که به آن خانه باغ حمله کنید؟ شما می دانستی این دو کارگر یک روز تمام مشغول کار کشاورزی بودند و خسته از کار روزانه توان نشستن هم نداشتند، به آنان حمله کردید و با تهدید و ارباب دستگیرشان کردید.

بازجوی محترم کامران ساختمانگر که مدت 15 روز است نتوانسته برای کامران ساختمانگر پرونده سازی کند. پسر جوان او را تحت فشار قرار دادند که چه کسانی به منزل شما رفت و آمد می کنند؟ پدرت چکاره است؟ با چه کسانی ارتباط دارد؟ محمود صالحی به خانه شما مراجعه کرده است و...؟ . به نظر من بازجوی محترم وظیفه خود را فراموش کرده است و می داند که پسر کامران متهم و مجرم نیست. بازجویان و یا مسئولان اداره اطلاعات سندی حق ندارد یک نوجوان را تحت فشار قرار دهند. اگر در کشور ما قانون حاکم بود که نیست، باید آن بازجو و یا مسئولان مربوطه که به بازجو اجازه می دهند تا خانواده متهم را تحت فشار قرار دهند محاکمه می شدند.

ما ضمن محکوم کردن دستگیری کامران ساختمانگر خواستار آزادی بی قید و شرط او و همه زندانیان سیاسی هستیم.

98/6/28

***اقدام به خودکشی یک کارگر 44 ساله در آستارا بدلیل اختلافش با کارفرما**

بعد از ظهر روز سه شنبه 26 شهریور، یک کارگر 44 ساله یک شرکت خصوصی در آستارا بدلیل اختلافش با کارفرما اقدام به خودکشی کرد و خوشبختانه جان سالم به در برد و زنده ماند.

بنا به گزارشات رسانه ای شده، این کارگر قصد داشت خود را از طبقه چهارم ساختمانی در آستارا به خیابان پرت کند که با دخالت بموقع منصرف شد.

***عدم پرداخت 9 ماه حقوق کارگران شرکت آب و فاضلاب روستایی بروجن**

9 ماه حقوق کارگران شرکت آب و فاضلاب روستایی بروجن پرداخت نشده است.

***عدم پرداخت ماه ها حقوق کارگران شهرداری خرم آباد**

ماه ها حقوق کارگران شهرداری خرم آباد پرداخت نشده است.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 25 شهریور شهردار خرم آبادگفت: به طور متوسط در بخش اداری چهار ماه و در بخش نظیف و فضای سبز این نهاد هشت تا نه ماه حقوق معوقه داریم.

***اعتراض کامیون داران نسبت به عملکرد معدن شن و ماسه سراوان با مسدود کردن جاده**

صبح روز چهارشنبه 27 شهریور، کامیون داران سراوان با تجمع در جاده و مسدود کردنش اعتراضشان را نسبت به عملکرد شرکت شن و ماسه سراوان بنمایش گذاشتند.



بنا به گزارش یک منبع خبری محلی، منشأ این اقدام اعتراض آمیز در واکنش به عملکرد یک شرکت شن و ماسه است که به نوبت دیگر کامیون ها توجه نمی کند، است.

معارضین می گویند: این شرکت بدون توجه به نوبت دیگر کامیون داران، ابتدا ماشین هایی که متعلق به خود را بارگیری می کند.

***جلوگیری 11 روزه اهالی خشمگین برخی شهرها و روستاهای مازندران و سمنان از دفن زباله در این منطقه با تجمع در جاده برای جلوگیری**

حدود 11 روز است که اهالی برخی شهرها و روستاهای مازندران و سمنان از جمله چهاردانگه مازندران و فولاد محله استان سمنان با تجمع در جاده مانع از دفن زباله در این منطقه می شوند.

در همین رابطه:

چهارمین روز تجمع اهالی خشمگین روستای گویچاله مازندران در جاده برای جلوگیری از دفن زباله در این منطقه

روز دوشنبه 25 شهریور برای چهارمین روز متوالی، اهالی خشمگین روستای گویچاله مازندران با تجمع در جاده مانع از دفن زباله در این منطقه شدند.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 25 شهریور، از روز جمعه مردم در مسیر ورود به روستای گویچاله و سایت زباله مستقر هستند و از انتقال هرگونه زباله به این روستاها جلوگیری می کنند.

مشکل زباله و دفن نامناسب به حدی بغرنج و فرا تر از حد رفته که در طی 14 سال بیش از یک میلیارد کیلوگرم زباله در منطقه گویچاله تخلیه شده است. حکایت این روزهای انباشت زباله شهرهای مازندران و آلوده کردن بخشی از مناطق مرزی استان مازندران و سمنان در روستای گویچاله است.

این انباشت زباله باعث نارضایتی شدید مردم منطقه گویچاله شده است که بنابر گفته آن ها شیرابه های حاصل از انباشت زباله در این مدت به سفره های آب های زیرزمینی نفوذ کرده و باعث آلوده شدن محصولات کشاورزی و شیوع بیماری های واگیردار بین دام و انسان شده است.

***ادامه اعتراضات کسبه دماوند نسبت به افزایش فروشگاههای زنجیره ای با تجمع مقابل فرمانداری**

روز پنج شنبه 28 شهریور، کسبه دماوند در ادامه اعتراضاتشان نسبت به افزایش فروشگاههای زنجیره ای مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: توسعه فروشگاههای زنجیره ای بدون در نظر گرفتن ظرفیت های محلی و شهرستانی، سبب تحت تاثیر قرار گرفتن فعالیت کسبه خرد و سنتی و در نهایت تعطیلی آنها می شود.

این نخستین بار نیست که کسبه دماوند نسبت به فعالیت فروشگاههای زنجیره ای اعتراض دارند، اواخر سال گذشته بود که گلایه کسبه به افزایش شمار فروشگاههای زنجیره ای در این شهرستان شروع شد و مسئولان محلی هم اعلام کردند بدون مجوز نهادهای شهرستان، حتی اگر استان یا نهادهای کشوری مجوز داده باشند، راه اندازی این فروشگاهها در شهرستان ممنوع است.

به گفته تجمع کنندگان بخشنامه‌ای که راه‌اندازی فروشگاه‌های زنجیره‌ای بدون هماهنگی نهادهای شهرستانی را ممنوع کرده بود ملغی شده و قرار است آیین نامه جدید در این زمینه ابلاغ شود و در این مدت برخی فروشگاه‌های زنجیره‌ای، دوباره برای ایجاد شعبه‌های بیشتر در این مجال، فعال شده‌اند.

***تجمع اعتراضی اهالی خیرآباد گچساران نسبت به عدم احداث یک مرکز سلامت در منطقه مقابل فرمانداری**

روز سه شنبه 26 شهریور ماه، جمعی از اهالی خیرآباد گچساران در اعتراض در اعتراض به عدم احداث یک مرکز سلامت در منطقه خیرآباد (حداصل روستای پادوک تا روستای اشکفت شیری) دست به تجمع مقابل فرمانداری گچساران زدند.

***جان باختن 45 کارگر در استان مازندران بر اثر حوادث کاری در سال جاری**

در سال جاری 45 کارگر بر اثر حوادث کاری جانشان را از دست دادند.

بر اساس گزارش رسانه‌ای شده بتاريخ 27 شهریور، مدیرکل پزشکی قانونی مازندران از مرگ 45 نفر بر اثر حوادث ناشی از کار در سال جاری خبر داد و گفت: همچنین 382 نفر در این حوادث مصدوم شدند.

علی عباسی با بیان اینکه امسال 45 نفر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل دو درصد افزایش داشت افزود: بیشترین آمار تلفات حوادث کار در شهرستان‌های ساری و میاندوود با 11، قائم شهر با 5 مورد فوتی و کمترین در شهرهای تنکابن، محمودآباد، نوشهر هر کدام با یک فوتی ثبت شده است.

***مرگ یک کارگر جوان در روستای شهرمیان اقلید بر اثر سقوط سنگ در چاه**

روز چهارشنبه 27 شهریور، یک کارگر 25 ساله حین حفر چاه در روستای شهرمیان اقلید بر اثر سقوط سنگ به داخل چاه و برخورد به سرش در دم جان باخت.

akhbarkargari2468@gmail.com